

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

در ارتباط به افراطی خواندن قاعده حلال و حرام

(ترجمه)

نخست می‌بایست که به یک مطلب بسیار مهم اشاره کرد: این که "وقتی در ارتباط به حلال و حرام صحبتی در میان می‌آید، ما در مورد یک طرح انسانی که قابلیت رد و پذیرفته شدن را دارد صحبت نمی‌کنیم...؛ زیرا حلال آن چیزی است که الله سبحانه و تعالی آن را حلال ساخته و حرام آن چیزی است که الله سبحانه و تعالی آن را حرام قرار داده است... حلال و حرام یک طرح پیشنهاد شده انسانی نیست."

رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین می‌فرماید:

«الْحَلَالُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ»

**ترجمه:** حلال چیزی است که الله (سبحانه و تعالی) آن را در کتاب خود حلال گفته است و حرام نیز چیزی است که الله سبحانه و تعالی آن را در کتاب خود حرام قرار داده است.

و نیز رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَالْحَرَامِ بَيْنٌ»

**ترجمه:** حلال و حرام واضح و مشخص می‌باشد.

حلال همان چیزی است که الله سبحانه و تعالی انجام آن را اجازه داده و عمل به آن هیچ مجازاتی را در پی ندارد. حرام همان چیزی است که الله سبحانه و تعالی انجام آن را ممنوع قرار داده و مرتکب آن در دنیا و آخرت مجازات می‌شود.

حلال و حرام مقیاس سنجش اعمال و اشیاء در حیات تمام مسلمانان بوده؛ ویژه یک فرقه و یا گروهی مخصوصی نمی‌باشد. به این معنی که حلال و حرام عبارت از اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی می‌باشد؛ همان‌طور که گفته شد، براساس حلال عمل صورت گرفته و از حرام خودداری می‌گردد. چیزی که از این دایره بیش‌تر توسعه نیافته و قابل تغییر نمی‌باشد و براساس منفعت در خصوص آن حکم نمی‌شود؛ بلکه در این خصوص فقط شریعت است که حکم فرما می‌باشد و بس. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ

ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ﴿۳۶﴾ (الاحزاب: 36)

**ترجمه:** هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان الله سبحانه و تعالی) داشته باشد و هرکس نافرمانی الله (سبحانه و تعالی) و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!

با بررسی تمام دلایل شرعی مربوط به اشیاء قاعده بر این است که "اصل در اشیاء، تازمانی که دلیلی برای مشخص شدن حرمت آن‌ها پدیدار نشود، اباحت می‌باشد." و این که "اصل در افعال مقید بودن آن‌ها به حکم شرعی می‌باشد." بنابراین، نمی‌توان شی و یا فعلی را سراغ داشت؛ مگر این که الله سبحانه و تعالی برایش حکمی شرعی را نازل فرموده است و یا جز این نیست؛ مگر آن شی و یا فعل حلال است و یا حرام؛ اگر مسلمانان برای کدام شی و یا فعلی حکم شرعی را نمی‌یابند، این نتیجه کوتاهی‌شان در ارتباط به اجتهاد و مسأله استنباط و استخراج احکام شرعی می‌باشد، به این معنی که چنین وضعیتی هرگز نتیجه کدام کوتاهی و نقص در دلایل شرعی نمی‌باشد؛ زیرا الله سبحانه و تعالی به وضوح و به نص صریح بر کامل بودن و همه شمول بودن اسلام، در قسمت هرگونه حکمی که انسان تا روز رستاخیز به آن ضرورت داشته باشد، چنین حکم فرموده است:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة: 3)

**ترجمه:** امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

و نیز او سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾

**ترجمه:** ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیان‌گر همه چیز است.

همچنان برای یک مسلمان حرام است که بدون کدام دلیل شرعی کدام شی و یا فعلی را حلال و حرام بخواند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ (النحل: 116)

**ترجمه:** به خاطر دروغی که بر زبان‌تان جاری می‌شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می‌کنید) نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا بنندید؛ به یقین کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نخواهند شد!

"بنابراین، التزام و پای‌بندی به حلال و حرام اعتدال و استقامت بوده و خودداری از حلال و ارتکاب حرام خود عین افراطیت و انحراف است."

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود: 112)

**ترجمه:** پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن و هم‌چنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آن‌چه را انجام می‌دهید، می‌بیند!

و هم‌چنین می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

**ترجمه:** او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن] است که اساس این کتاب می باشد؛ (و هرگونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به این ها، برطرف می گردد). قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهت دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آن ها آشکار می گردد]. اما آن ها که در قلوب شان انحراف است، به دنبال تشابهات اند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که تفسیر آن ها را؛ جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آن ها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

رسو الله صلی الله علیه و سلم نیز می فرماید:

«إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ» (رواه البخاری و مسلم)

**ترجمه:** همانا حلال آشکار و حرام آشکار است و بین آن دو امور متشابهات است که بسیاری از مردم آن ها را نمی دانند؛ پس کسی که خود را از شبهات دور نگه داشت، دینش و آبرویش را نگه داشته است و کسی که در شبهات افتاد، در حرام افتاد؛ مانند: چوپانی که در اطراف منطقه ممنوعه گوسفندش را می چراند و نزدیک است در آن بچراند، آگاه باشید که برای هر پادشاهی منطقه ممنوعه است و منطقه ممنوعه خدا آن چیزهایی است که حرام نموده است. آگاه باشید که همانا در جسد تکه گوشتی است که اگر درست باشد، تمام جسد درست می باشد و اگر فاسد شود تمام جسد فاسد می شود؛ آگاه باشید که آن قلب است.

التزام و پای بندی به حلال و حرام اقتداء به رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده، برای حزب التحریر جای بس شرف و افتخار می باشد، که التزام به حلال و حرام را مقیاس اعمال و با ارزش ترین قاعده ای قرار داده که مبتنی بر آن دولتی را تأسیس و جامعه ای را ایجاد نماید. بنابراین، افراطی خواندن به حلال و حرام برای ما بسیار شگفت آور است.

حزب التحریر قاعده حلال و حرام را ملاک قرار داده است؛ اگر آن هایی که در تاریخ خود جز خشونت چیزی را سراغ ندارند، می خواهند از طریق ابراز برخی از ستیزها، بر توطئه های شان علیه حزب التحریر پوششی قرار دهند، بدانند که پیش از آن ها کسانی بودند که از آن ها به مراتب قدرت مندتر و اطرافیان بیش تری در گرد خود داشتند، آن ها نیز چنین کرده بودند؛ اما در نتیجه خود ناکام مانده و سرنگون شدند و این حزب التحریر بود که به إذن الله سبحانه و تعالی قوی و نیرومند در میدان باقی ماند، چیزی را که خود نیز شاهد آن بودید. بدانید که الله سبحانه و تعالی، رسول الله صلی الله علیه و سلم و مومنین با ما

می‌باشند؛ بنابراین، کسی که از چنین حالتی برخوردار باشد؛ هرگز در میدان رضایت الله سبحانه و تعالی از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسد.

ما این‌شاء‌الله حامل خیر برای بشریت بوده و زیر چتر دولت اسلامی (خلافت راشده) برای‌شان خواستار امنیت و آرامش می‌باشیم. این چیزی می‌باشد که رسول الله صلی الله علیه و سلام بدان مأمور شده و صحابه‌اش رضوان الله علیهم مسیرشان را بر این منهج استوار ساخته بودند؛ بنابراین، کسی که خواسته باشد بر این منهج قدم گذارد او نیز نجات یافته و کامیاب خواهد بود و کسی که جهت‌اش را تغییر داده و بر این منهج مسیرش را ادامه ندهد، او ناکام مانده و خسارت جبران‌ناپذیری را متقبل است. اما طبق فرموده الله سبحانه و تعالی: ﴿وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ... نیرنگ‌های بد تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد...﴾ و نیز در پایان، امور به کام کسانی خواهد بود که تقوی پیشه می‌نمایند.

ما همواره بر این تأکید داشتیم که حزب‌التحریر از زمان تأسیس‌اش توسط قاضی علامه محمد تقی‌الدین النبهانی رحمه الله در سال 1953م، بدین‌سو در تلاش برای رسیدن به اهداف خود، در میان مردم و همراه با مردم فعالیت فکری و سیاسی نموده و برای مردم باورهای فکری و سیاسی خویش را عرضه می‌کند، باورهای که مبتنی بر اسناد و دلیل است. حزب در این میدان با هیچ‌گونه عمل مادی و با اکراه مردم را وادار به پذیرفتن باورهای‌شان نمی‌کند. این واقعیت حزب در تمام سرزمین‌ها و کشورها یکسان می‌باشد. همه می‌دانند که فعالیت‌های حزب هیچ ارتباطی به اقدامات جنایت‌کارانه خونین ندارد. در طریقه‌ای که حزب‌التحریر در آن در حرکت است؛ هیچ‌گونه اعمال مادی و خشونت‌آمیز نیست؛ بلکه حزب می‌خواهد از طریق امت با مبارزه فکری و سیاسی دولت اسلامی را تأسیس نماید؛ چنان‌چه حزب مبتنی بر اساسات ذیل فعالیت‌اش را به پیش می‌برد:

**الف- تثقیف مردم به وسیله مفاهیم اسلامی در حلقات ثقافتی حزب؛**

**ب- تثقیف جمعی مردم مبتنی بر ثقافت حزب؛** اما با برگذاری سخنرانی‌ها، سمینارها، درس‌ها و بخش‌نشریات به منظور ایجاد آگاهی عمومی در خصوص اسلام؛

حزب از برنامه‌هایی که دولت‌های استعماری و مزدوران آن‌ها علیه امت طرح می‌نمایند، پرده برداشته، توطئه‌های‌شان را خنثی می‌سازد.

بنابراین سیاق: خلافت یک دولت نظامی نیست که توسط ارتش اداره شود؛ نه هم یک دولت پولیسی؛ همان‌گونه که یک دولت کاهانه نیز نمی‌باشد؛ بلکه خلافت دولتی می‌باشد که به وسیله انسان تأسیس شده و به ذریعه آن اسلام تطبیق می‌شود. زیرا در اسلام مطلقاً مجاز نیست که به وسیله آهن و آتش بالای مردم حکومت صورت گیرد؛ همان‌گونه که مجاز نیست امور مردم بر اساس احکام نظامی و مقیاس‌های ظلم و ستم اداره شود. چیزی که در هر صورت ویرانی و نابودی را همراه دارد. نه تنها در این دنیا بلکه در آخرت نیز باعث هلاکت مردم شده، دو خسارت را عاید حال مردم می‌سازد: خواری و تحقیر دنیا و مجازات الله سبحانه و تعالی در آخرت؛ درحالی‌که هر دو امر باعث ویرانی و نابودی می‌شوند، ترس و وحشت را پدید آورده، سرزمین‌ها و مردم را به سمت پرت‌گاه می‌کشاند.

دولت خلافت شعاری نیست که فقط سرداده شود؛ بلکه خلافت طریقه حکمرانی می‌باشد که قرآن کریم آن را مشخص کرده است و از زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین تعریف گردیده است که خلافت: عبارت از "ریاست عمومی برای همه مسلمانان جهان به منظور برپایی احکام شریعت اسلامی و حمل دعوت اسلامی به جهانیان می‌باشد."

برای تعریف خلافت این سه عنصر ذیل در نظر گرفته شده است:

ریاست عمومی، به این معنی که خلافت دولت واحدی است که مسلمانان را زیر پرچم یک خلیفه واحد متحد می‌سازد؛

تطبیق شریعت اسلامی؛

حمل دعوت به سوی جهانیان؛

خلافت یک دولت است؛ نه یک شعار و نه افراطیت. سه عنصر آن دارای اساسات برجسته‌ای می‌باشد:

1. سیادت متعلق به شریعت است؛ نه مردم: این یک مسأله اساسی در دولت خلافت است و مخالفت با آن حتی برای دو نفر مجاز نیست. سیادت به معنای کاربرد بودن یک اراده و همه چیز را متعلق به فیصله آن گذاشتن است. در اسلام اراده فرد و امت در گرو فیصله، فرامین و نواهی الله سبحانه و تعالی؛ یعنی حلال و حرام می‌باشد...

2. سلطه و اقتدار از آن امت است: این نیز یک مسأله اساسی در دولت خلافت است، به این معنی که تعیین خلیفه به وسیله امت صورت گرفته و خلیفه در تطبیق شریعت از امت نمایندگی می‌کند. چیزی که دولت خلافت را یک نهاد اجرایی تبدیل نموده که در نمایندگی از امت به تطبیق شریعت می‌پردازد و از این جهت خلات یک دولت انسانی می‌باشد؛ نه دولت دینی کاهنه...

به عنوان مثال: برپایی حدود، ممانعت از ربا، زنا، دسیسه با بیگانه‌گان، جلوگیری از غارت دارائی‌های امت و تطبیق بقیه احکام شرعی... اعمالی می‌باشند که دولت به نمایندگی از امت انجام می‌دهد. "چیزی که خود عین اعتدال و استقامت بوده و خودداری از آن افراطیت می‌باشد."

اما اگر سلطه و اقتدار از امت سلب شود؛ حالتی که امروز در آن قرار داشته و قدرت در چنگال یک عده از کسانی قرار دارد که غرب استعمارگر، آنان را برای حفظ مصالح خود بر ما گماشته است، در آن صورت بر امت واجب است که اقتدار خویش را پس گیرد، چیزی که فقط در گرو ریشه کن کردن صاحب اقتدار حاکم و دور ساختن این مانع از سر راه امت است، عملی که عین استقامت و اعتدال بوده و سکوت بر آن نیز عین افراطیت و خیانت است.

به عنوان مثال: آمریکا، انگلیس و فرانسه در اصل، قدرت‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی‌اند و به نمایندگی از آنها مزدورانی که به وسیله‌شان گماشته شده، حکومت می‌کنند، تاجای که سفارت‌خانه‌های‌شان تبدیل به دربارها شده است؛ درحالی که الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

بنابراین، ریشه‌کن کردن استعمار و آزادسازی سرزمین‌های اسلامی، استقامت و اعتدال در اسلام بوده و سازش با آن افراط‌گرایی واقعی و خیانت است.

از اساسات دولت خلافت این است که دارای دستگاه‌های ویژه‌ای می‌باشد که هرکدام به گونه و شیوه‌ای خاصی، امور مردم را تنظیم می‌کنند. از زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم، دوران خلفای راشدین رضوان الله علیهم و بعدها نیز، دولت خلافت دارای دستگاه‌های مختلف؛ اما به گونه‌ای غیرمدون بود. حزب‌التحریر این دستگاه‌ها را به صورت طبقه‌بندی دقیق و عملی و به تفصیل آن بیان نمود؛ طوری که محض مطالعه این دستگاه‌ها برای آگاهی هرکسی بسنده می‌باشد.

بنابراین، با تأسیس دولت خلافت، نظام دموکراسی و سرمایه‌داری از ریشه نابود شده و حاکمیت استعماری که از زمان سرنگونی خلافت بالای سینه مسلمانان نشسته است، از بین خواهد رفت.

ما در این سرزمین بخشی از امتی هستیم که نزدیک به یک قرن، بدترین حالات زندگی خویش را سپری و انحطاطی را تجربه کرده است که انحطاط از آن شرمنده است؛ یعنی در نهایت حقارت و در قهقرای خواری و ذلت قرار دارد. قضیه واقعی مان تغییر نظام سکولاری-سرمایه‌داری و تأسیس نظام اسلام با برپایی خلافت راشد است. این همان چیزی است که استعمارگران تلاش دارند آن را افراط‌گرایی عنوان کنند؛ درحالی که این کارمان عین استقامت و اعتدال بوده، در عوض عمل‌کرده‌های آنان است که افراط‌گرایی و خیانت است.

آن‌ها مردم و نیروهای سرزمین‌های اسلامی را وارد درگیری‌ها و جنگ‌های دروغین می‌سازند که هدف آن جز ارضاء ساختن خواسته‌های فردی زودگذر و تضمین منافع استعمارغرب نیست، آن‌هم از طریق به کرسی نشاندن نظام سکولار سرمایه‌داری، نظام دست ساخته انسان، نظامی که شرایط کنونی محصول آن بوده و مردم را علیه خود شورانده است، نظامی که چاره جز تغییر آن نیست.

دولت خلافت پروژه امت است، پروژه‌ای که به تنهایی قادر به تغییر واقعی است، تغییری که برای امت زمینه بازپس‌گیری جایگاه‌اش را فراهم می‌سازد، جایگاهی که به دلیل آن بهترین امتی می‌باشد که برای هدایت مردم مأمور شده است. ما در حزب‌التحریر همان‌گونه که خشونت را نفی می‌کنیم؛ همان‌طور هرگونه تخلف از احکام حلال و حرام الله سبحانه و تعالی را افراط‌گرایی دانسته و از تمام مسلمانان می‌خواهیم که از آن خودداری نمایند.

از آن جایی که آن‌چه امروز به مردم عرضه می‌شود تغییر نظام است؛ نه تغذیه جنگ‌های حزبی سخت و گسترده...، از آن جایی که حزب رهبری می‌باشد که نسبت به پیروان و هواداران‌اش هرگز غش و یا خیانت نمی‌کند، از آن جایی که الله سبحانه و تعالی برای مردم زمینه این‌که ترس را برهم شکسته و از بذر آن در قلب‌های‌شان دست‌بردارند، مساعد نموده است، ما از امت می‌خواهیم که آن‌چه را آغاز نموده‌اند به پایان برسانند. دولت خلافت، دولتی که احکام شریعت را تطبیق خواهد کرد، برپا و نظام سکولاری-سرمایه‌داری را از میان بردارند، نظامی که سبب تمام بدبختی‌های‌شان می‌باشد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾

ترجمه: هرکس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت.

در خاتمه: تأکیدمان در این است که حزب التحریر برای تمام سکنه این سرزمین برای مردم و حکام آن برنامه خویش را عرضه کرده و بدون هیچ گونه تبعیضی با همه تفاعل می کند. جوانان این حزب روز و شب برای برپایی خلافت راشده ای که به اذن الله سبحانه و تعالی برمنهج نبوت خواهد بود، تلاش می کنند. مسرانه می خواهند که زندگی اسلامی را از سر گیرند که ان شاء الله در این میدان الله سبحانه و تعالی همراهشان بوده، آنان را حمایت و نصرت خواهد کرد.

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

ترجمه: و یاری مؤمنان، همواره حقی بر عهده ما است.

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾

ترجمه: ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم!

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

ترجمه: و الله (سبحانه و تعالی) کسانی را که او را یاری کنند، یاری می کند؛ الله (سبحانه و تعالی) قوی و شکستناپذیر است.

ما در حزب التحریر بر این باور هستیم که فاصله ما با دولت خلافت به اندازه فاصله نماز صبح تا طلوع آفتاب است؛ بنابراین، به زودی ندای الله اکبر الله اکبر به افق خواهد رسید. الله سبحانه و تعالی بندگان را نصرت داده، لشکریانش را غالب و احزاب و گروه ها را برهم می شکند. الله سبحانه و تعالی هرگز وعده اش را خلاف نمی کند.

نویسنده: اسعد بن رمضان

9 شوال 1441 ه.ق.

31 می 2020 م.

مترجم: علی مطمئن